ارتعاش تارهای صوتی پینوکیو(۱)

در جست‌وجوی تکنیک از دست رفته

علی موسی زاده| در دیالوگ‌نویسی، خطاهای رایجی وجود دارد که بین مبتدیان و گاهی حتی کارکشته‌ها هم مشترک است. اول از همه تکلیف دیالوگ‌های داستانی و غیرداستانی را روشن کنیم. به زعم خیلی از استادان داستان‌نویسی و نویسنده‌ها بعضی از گفت‌وگوهای شخصیت‌ها به درد داستان می‌خورند و نوعی از آن‌ها نه! برای همین نام گفت‌وگوهای داستانی را «دیالوگ» یا «گفت‌وگو» می‌گذارند و به آن حرف‌های غیرداستانی «مکالمه» می‌گویند. برای مثال، نوع غیرداستانی:

«کجا زندگی می‌کنی؟»
«خیابون پانید، پلاک ۱۹»

در این گفت‌وگو، جز اطلاعات بیرونی صرف، هیچ چیزی بین شخصیت‌ها ردوبدل نشده است. مثال نوع داستانی:

«کجا زندگی می‌کنی؟»
«تو همین سگ‌دونی»

در مثال دوم افزون بر اطلاعات بیرونی چیزی بین شخصیت‌ها ردوبدل شده است که می‌توانیم اسم آن را عنصر «دراماتیک» بگذاریم. در اینجا حتی می‌توانیم محله‌ای را تصور کنیم که احتمالا در ناحیه‌ای فرودست از شهر باشد. کثافت و به‌هم‌ریختگی مکان و افزون بر همه این‌ها خلق‌وخوی این شخصیت هم به ما منتقل شده است. کار عنصر دراماتیک همین است که مثل یک انفجار عمل می‌کند. با اینکه از کلمات تقریبا برابری در مثال دوم استفاده شده، اطلاعات و عواطف چندگانه‌ای را برای مخاطب تداعی می‌کند: لحن گوینده، خلق‌وخو، فضا، اطلاعات و نکاتی دیگر که در ذهن شما هم حتما شکل گرفته است.

اما نکته اینجاست که آیا مثال اول جایی در دنیای ادبیات ندارد و باید به مریخ تبعید شود؟ فرض کنید می‌خواهیم فضای منجمدی از روابط بین آدم‌ها ترسیم کنیم و در این بخش از داستان شخصیت با آدم‌هایی ارتباط دارد که بیشتر شبیه به روبات هستند تا آدم‌های زنده دارای عواطف... مسلما نیازی به توضیح بیشتر نیست. در چنین موقعیتی استفاده از گفت‌وگوهای دراماتیک به شوخی می‌ماند و کاملا نقض غرض است و سؤال اینکه ترسیم چنین فضای منجمدی در ادبیات، چرا نباید جایگاهی داشته باشد؟ بنابراین ما چیزی تحت عنوان «دیالوگ‌هایی که در دنیای ادبیات داستانی جایی ندارند» نداریم. هر دیالوگی را می‌توان برای شخصیت‌ها ترسیم کرد، مهم «بجا» بودن آن دیالوگ از نظر تکنیکی و هماهنگی با محتوای اثر است:

«فکر کردم این اتاق را جایی دیده‌ام. فریاد زدم: «اینجا دیگر کجاست؟» گفت: «پذیرایی، اینجا پذیرایی است.» (اولین عشق، ساموئل بکت، برگردان فارسی علی باش)

این اولین گام برای شناخت دیالوگ و دیالوگ‌نویسی است. اما باید گفت که یکی از دشوارترین مهارت‌ها در داستان‌نویسی (و البته نگارش فیلم‌نامه و نمایشنامه) نوشتن گفت‌وگو برای شخصیت‌هاست. اولین نکته این است که دیالوگ، سازوکار خود را از الگوی واقعی و شیوه مکالمات روزمره می‌گیرد، حتی اگر قرار باشد روایت در فضایی فراواقعی اتفاق بیفتد. اصل اساسی دیالوگ‌نویسی و جوهره اصلی تمامی تکنیک‌ها در سیاره دیالوگ، «زنده‌بودن» گفت‌وگوست؛ به این معنی که گفته‌های شخصیت‌ها با محتوای اثر و فضای داستان هماهنگی کاملی داشته باشد و مخاطب باور کند «چنین کلماتی» از دهان «چنین شخصیتی» ادا شده است. یعنی حتی اگر قرار باشد برای آدم‌های منجمد و بی‌عاطفه هم دیالوگ بنویسیم برای حرف‌های قندیل‌بسته آن‌ها باید کلماتی جامد از تارهای صوتی یخ‌زده‌شان خارج شود. برای روشن‌تر شدن بحث کافی است تصور کنید در داستانی با فضای سرد عنصر دراماتیک را تقویت کنیم و یکی از شخصیت‌های منجمد بخواهد حرف‌هایی گرم و نمایشی بر زبان بیاورد؛ نتیجه مشخص است، دیالوگ‌ها کاملا تصنعی از آب درمی‌آیند و شخصیت‌پردازی کاملا خراب می‌شود.

برای نوشتن دیالوگ زنده، چند تکنیک کاربردی برجسته وجود دارد. اول از همه: «تا جای ممکن از دیالوگ‌های طولانی دوری کنید.» تمامی تکنیک‌ها استثنا دارند و این قاعده هم همین‌طور، اما وقتی یکی از شخصیت‌ها برای مدتی طولانی سخنرانی می‌کند و هیچ‌یک از شخصیت‌های دیگر حرفش را قطع نمی‌کنند و یا واکنشی نشان نمی‌دهند، مخاطب حق دارد که به «اراده آزاد» این شخصیت‌ها و زنده بودنشان شک کند. درست شبیه به برخی صحنه‌های شمشیربازی در سینما، وقتی که چند شمشیرزن، قهرمان را دوره می‌کنند ولی هیچ‌کدام حق ضربه زدن ندارد، مگر اینکه شخصیت اصلی به سمت او بچرخد، چون بیمه کارگردان است! در اینجا هم این‌طور به نظر می‌رسد که چون شمای نویسنده شخصیت‌ها را مجبور به سکوت کرده‌اید، هیچ حرفی نمی‌زنند. مردمک چشم شخصیت لب‌بسته به سمت نویسنده است و درحالی که قطره عرقی از پیشانی‌اش سُر می‌خورد، منتظر است تا کِی زمان حرف زدنش فرا برسد. این کار بیشتر شبیه به عروسک‌بازی است تا داستان‌نویسی.

سکولار به‌معنای عرفی نیست

نویسنده کتاب «در ستایش شرم؛ جامعه‌شناسی حس شرم در ایران» معتقد است سکولار به معنای عرفی نیست. در گفت‌وگویی که خبرگزاری ایلنا با حسن قاضی مرادی صورت داده و منتشر کرده است، از زبان این روان‌شناس اجتماعی و نویسنده آثار تاریخ اجتماعی ایران آمده است: آن‌گونه که من مفهوم سکولار را می‌فهمم به معنای عرفی نیست. عرف هنجاری است که در تجربه زیسته جامعه به عنوان یک هنجار مثبت یا منفی پذیرفته می‌شود. عرف یک قاعده است که تجربه زیسته جامعه قائل به آن می‌شود؛ مثلا تجربه زیسته جامعه به هنجارهایی برای حفظ زندگی خانوادگی می‌رسد و آن‌ها به عنوان هنجارهای مطلوب برای تداوم زندگی خانوادگی به جامعه عرضه می‌شوند. سکولاریسم در واقع به معنای نگرش گیتیانه (جهان‌نگری) است و بینشی است که از نگرش الهیاتی جدا می‌شود.

این مؤلف و مترجم ادامه داده‌است: فرض کنید ما می‌گوییم علم سکولار است، به این معنا که مسئله علوم کاربردی (فنی و مهندسی و علوم پایه) این است که پدیده‌ای را بشناسد؛ مثلا در آزمایشگاه با آن کار می‌کند و به شناخت سکولار می‌رسد. در اینجا علم به این کاری ندارد که آیا این پدیده آفریننده‌ای دارد یا خیر. او فقط می‌خواهد به این پاسخ دهد که این چیست و چه کار می‌کند یا ما با آن چه کار می‌توانیم بکنیم. در محدوده نگرش دنیایی آن چیزی را که بشر پیش می‌برد نگرش سکولار می‌گویند. اگر به این معنا سکولار را در نظر بگیریم لزوما احساس شرم سکولار نیست، زیرا فرد می‌تواند هنجارهایی را که خودش می‌پذیرد و آن‌ها را به عنوان هنجارهای نظام اخلاقی‌اش راهبر عمل خودش می‌کند، از آموزه‌ها و هنجارهای دینی هم بگیرد اما چیزی که مهم است این است که او این را در پی ابلاغ‌پذیری و تجویزپذیری نگرفته است. فرد مدرن وقتی که با احساس شرم آشنا باشد این هنجارها را به عنوان هنجاری که خودش به آن فکر می‌کند و ضرورت و صحت آن را پیدا می‌کند، می‌گیرد و به‌صورت یک هنجار خودانگیخته به آن عمل می‌کند و لزوما این‌طور نیست که احساس شرم صرفا یک احساس گیتیانه است و نظام اخلاقی‌اش باید در ایدئولوژی‌هایی مادی اخذ شود. به نظر من می‌تواند از نظام‌های دینی یا غیردینی گرفته شود اما وقتی فرد آن را دریافت می‌کند با خودانگیختگی می‌گیرد نه با تکلیف‌پذیری.

قاضی‌مرادی افزوده است: من به نظرم می‌رسد که معنای مصطلحی از سکولاریسم وجود دارد به عنوان عرفی‌شدن که در جامعه ما هم این معنا وجود دارد، درحالی‌که در نظام اخلاقی عرفی هم بسیاری از هنجارها از اخلاق دینی گرفته شده است. اگر پندنامه‌های ما را که اخلاق عرفی را اشاعه می‌دهند ببینید، متوجه می‌شوید که مؤلفه‌هایی از اخلاق دینی را دارند. اینکه ما صحبت از دروغ می‌کنیم و آن را زشت می‌شماریم، هم پایه عرفی دارد و در جامعه، از تجربه زیسته انسان‌ها بیرون آمده است و هم برپایه یک حکم دینی است. این است که عرف برآمده از تجربه زیسته جامعه است اما سکولاریسم یک نگرش است. نگرشی که تبیین هر موضوعی را در چارچوب جهانی می‌بیند که مقدس نیست و یک نیرو یا عامل خارجی بر آن سیطره ندارد، بلکه جهانی دنیوی را مدنظر دارد.

کمال شفیعی، شاعر:
مداحی باید به سمت‌وسویی برود که به مخاطبش معرفت بدهد، به‌جای اینکه بخواهد صرفا اشک مخاطب را بگیرد، اما متأسفانه این آسیب در برخی آثار دیده می‌شود.

مناظره ویراستار و مؤلف

گزارشی درباره جایگاه ویرایش در ادبیات خلاقه

گزارش

امیری| تصور کنید یک داستان‌نویس و یک ویراستار روبه‌روی هم نشسته‌اند و هریک با به رخ کشیدن سطح دانش و تجربه خود سعی دارد نظرش را به دیگری اثبات کند. نویسنده یا شاعر، اگر خالق آن اثری باشد که هنجارهای معمول را شکسته و نوآوری کرده است، پذیرای نظر ویراستار نمی‌شود و از سوی دیگر ویراستار اگر آشنایی لازم را با ساختارها و تکنیک‌های ادبی نداشته باشد، ویرایشی درخور ارائه نخواهد داد یا در نهایت متن را به نویسنده برخواهد گرداند. گاهی نیز آفریننده اثر ادبی درک درستی از زبان فارسی و ظرفیت‌های آن ندارد و حرف ویراستار را نمی‌فهمد. گاه نویسنده‌ای با اثری معمولی و با ایرادهای ابتدایی، زیر بار دیدگاه‌های ویراستارش نمی‌رود و می‌کوشد که به او بفهماند پایش را از گلیمش فراتر گذاشته است! به باور او و ویراستار نباید بیشتر از اصلاحات رایج ویراستاران بر متن او خرده‌ای بگیرد؛ حال آنکه ویراستار با اشراف بر روش‌های مختلف داستان‌نویسی یا شعر متوجه خطاهای تکنیکی اثر او شده است. این بحث‌ها و گفت‌وگوها بیشتر در زمانی که یکی از ۲ طرف سطح پایین‌تری دارد، شکل می‌گیرد، درحالی که مطلوب این است که هم ویراستار و هم خالق اثر داستانی یا شعر به حدی از دانش و تجربه رسیده باشند که حرف هم را بفهمند یا دست‌کم در تعاملی کارساز به دانش و تجربه یکدیگر احترام بگذارند. در این شرایط است که گفت‌وگو می‌تواند به ارائه اثری سنجیده و مطلوب بینجامد و اهمیت ویراستاری اثر ادبی را در نزد پدیدآورندگان آثار ادبی دوچندان کند. اهمیت این موضوع وقتی بیشتر می‌شود که متوجه می‌شویم بسیاری از نویسندگان مهم دنیا چون گابریل گارسیا مارکز کتاب‌هایشان را به ویراستار می‌سپرده‌اند، یا ریموند کارور بسیاری از آثارش را مدیون نظرات مفید ویراستارش می‌داند و ارنست همینگوی حتی از نظرات تایپیست خودش استفاده می‌کرده‌است.

در گزارش پیش رو با تعدادی از ویراستاران و صاحب‌نظران در زمینه ویراستاری به گفت‌وگو نشسته‌ایم تا درباره ویرایش آثار ادبی خلاقه -اعم از داستان و شعر و ترجمه- و مسائل مربوط به آن بیشتر بدانیم.

● ویراستار مسلط دستیار خوبی برای نویسنده است

محمدکاظم کاظمی دراین‌باره به تفاوت ویرایش اثری ادبی با ویرایش در دیگر حوزه‌ها چون علوم تجربی و ریاضی و... اشاره می‌کند و می‌گوید: شعر و داستان افزون بر وجه فنی، وجه ادبی هم دارند، در این حوزه هم محتوا مدنظر است، هم ساخت ادبی متن؛ بنابراین ویرایش در این حوزه تا حد زیادی به سطح کار شاعر و ویراستار بستگی دارد. امروز داستان‌نویسانی که در کارشان به تشخص زبانی و پختگی نثر رسیده‌اند یا صاحب خصوصیات سبکی شده‌اند یا خلاقیت‌هایی به خرج داده‌اند که جامعه ادبی کنونی آن را نمی‌تواند بپذیرد (نوآوری‌هایی که در آینده ممکن است کسان دیگر از آن پیروی کنند) طبیعتا نظرشان با نظر ویراستار تداخل پیدا می‌کند، چراکه ویراستار می‌خواهد مطابق هنجارهای معمول متن را یکدست کند. از این روست که آن ۲ نمی‌توانند یکدیگر را درک کنند. در اینجا تشخیص میزان تسلط مؤلف و میزان تسلط ویراستار تعیین‌کننده است.

این شاعر و پژوهشگر ادبیات معتقد است: ویراستاری که با ادبیات داستانی آشنایی داشته باشد -تاجایی که اصول نویسندگی و تکنیک‌ها را بداند، ساختارشکنی‌های نویسنده را تشخیص دهد و بتواند اشکالات تکنیکی را برطرف کند- در ویرایش آثار داستانی بسیار موفق خواهد بود و نظرش محترم است.

خالق مجموعه شعر «شمشیر و جغرافیا» ادامه می‌دهد: خود من چون شاعرم گاه در ویرایش اشعار نظرهایی درباره شعر داده‌ام که شاعر از آن استفاده کرده است. اما می‌بینیم نویسندگان ما معمولا به آن حد لازم از تکنیک و اجتهاد در نویسندگی نرسیده‌اند و متن‌هایی که به دست ویراستاران می‌رسد معمولا دشواری‌های مقدماتی‌ای دارد که ویراستار را درگیر ویرایش فنی چون غلط‌های املایی، اصلاح زمان فعل‌ها و... می‌کند.

در عین حال به باور کاظمی ویراستاران آثار ادبی نیز آن‌قدر با ادبیات داستانی و شعر آشنا نیستند که بتوانند اعتماد خالق اثر را جلب کنند؛ درصورتی که ویراستار مسلط می‌تواند دستیار خوبی برای نویسنده باشد و اگرنکته نامتعارف عامدانه‌ای در کار نویسنده می‌بیند آن را درک می‌کند. البته معمولا ویراستاران تا این حد تربیت نمی‌شوند اما می‌توانند با مطالعه فراوان خودشان را به این سطح برسانند.

شعر و داستان افزون بر وجه فنی، وجه ادبی هم دارند و ویرایش در این حوزه تا حد زیادی به سطح کار شاعر و ویراستار بستگی دارد

● حرف آخر را صاحب اثر می‌زند

ویراستاری در ترجمه موضوع دیگری در ویرایش آثار ادبی است که رؤیا یداللهی، نویسنده، شاعر و ویراستار مشهدی، به آن اشاره می‌کند و می‌گوید: مهم‌ترین موضوعی که ویراستار آثار ترجمه‌شده باید درنظر داشته باشد، این است که بسیاری از کسانی که اثرشان را به ناشر می‌دهند درواقع مترجمان مسلطی نیستند. آن‌ها به‌ویژه در زبان مقصد مشکل زیادی دارند؛ ازاین‌رو ویراستار مجبور می‌شود حتی داستانی را دوباره ترجمه کند؛ البته به شرطی که زبان اصلی [(مبدأ)] را بلد و به آن مسلط باشد. از آن طرف مترجمان چیزهایی را در زبان اصلی تشخیص می‌دهند که بار اطلاعاتی خاص دارد یا کنایی است. این‌ها در زبان مقصد باید با ساختار دیگری ترجمه شوند. در اینجا ویراستار ممکن است سرخود و بدون صحبت با نویسنده تغییراتی بدهد که مشکل‌ساز شود.

به گفته یداللهی در صورتی که مترجم و ویراستار اولا کار خودشان را بلد باشند و بعد بتوانند با هم مراوده و گفت‌وگو داشته باشند، مشکل خاصی پیش نخواهد آمد ولی مسئله این است که خیلی‌وقت‌ها تعامل وجود ندارد و معمولا یک‌نفر سرجای خودش نیست. او اضافه می‌کند: به نظر من، نویسنده و مترجم قبل از اینکه هر ایده‌ای داشته باشند، باید بتوانند سالم بنویسند و ویراستار هم باید اشراف کلی به آن حوزه داشته باشد تا غیر از ویرایش فنی برداشت‌های مترجم از متن اصلی را هم متوجه شود.

روی هم رفته این ویراستار آثار ادبی باور دارد که در نهایت مؤلفان یا مترجمانی هم که نظرشان با ویراستار یکی نیست و معمولا مقاومت می‌کنند، خودشان صاحب اول و آخر اثر هستند و نظر آن‌ها مهم است.

● ویراستار خوب در ایران کم داریم

«نقش ویراستار در آثار ادبی فراتر از ویرایش‌های فنی و ظاهری است.» سید حمید حیدری ثانی از دیگر ویراستاران مشهدی به این موضوع تأکید می‌کند، چراکه به باور او ویراستار باید بتواند با آگاهی از اصول و تکنیک‌های نویسندگی اشکالات را تشخیص دهد و اصلاح کند.

این مدرس ویراستاری توضیح می‌دهد: خود من درهنگام ویرایش رمانی دغدغه این را داشتم که هریک از شخصیت‌ها از راننده کامیون، فرد روستایی و... در چه فضایی هستند؟ چه دایره واژگانی‌ای دارند؟ چه اصطلاحات و تعابیری به کار می‌برند؟ همچنین در بررسی ساختارهای نحوی دقت زیادی کردم تا دیالوگ‌های هر شخصیت با سطح دیالوگ خودش پیش برود، خصوصا که این اثر پرش‌های زمانی ده‌ساله و بیست‌ساله داشت و باید این موضوع را مدنظر می‌داشتم که مهارت‌های زبانی هر شخصیت ممکن است دراین فاصله زمانی ارتقا پیدا کند.

نویسنده و مترجم قبل از اینکه هر ایده‌ای داشته باشند، باید بتوانند سالم بنویسند و ویراستار هم باید اشراف کلی به آن حوزه داشته باشد

به گفته حیدری ثانی این یک نمونه برای نشان دادن دغدغه‌های ویراستار ادبی است که کارش سبب ارتقای جنبه‌های ادبی متن می‌شود و می‌تواند پیرنگ، زاویه دید و... را اصلاح کند: بنابراین کسی که می‌خواهد متون ادبی را ویرایش کند باید در انواع ساختارهای داستان‌نویسی سررشته داشته باشد تا بتواند به خالق اثر یاری برساند.

او با بیان اینکه ویرایش ادبی در واقع نوعی نقد ادبی است ادامه می‌دهد: سؤال اینجاست که ویراستاران آثار ادبی و داستانی در چه سطحی هستند؟ ویراستار خوب در ایران کم داریم، چون با اینکه در ۱۰ سال گذشته آموزش‌های درست‌نویسی و ویرایش توسعه پیدا کرده و گفتمان درست‌نویسی و ویرایش جدی‌تر شده است، نشر دچار تنگنا شده و به همان نسبت ویرایش هم در تنگنا رشد کرده و این باعث شده است امروز تعداد ویراستارانی که در انواع سبک‌ها و فنون و تکنیک‌های نویسندگی سررشته دارند، خیلی کم باشد. من آمار چندانی ندارم اما فکر نمی‌کنم بتوانم بیشتر از ۱۰ نفر را در کشور نام ببرم که در ویرایش آثار ادبی خبره و حرفه‌ای باشند و در ادبیات سررشته داشته‌باشند.

● در اهمیت کشف ساختار

ویراستاری آثار ادبی یکی از حوزه‌های بسیار دشوار در ویرایش است، چراکه ویراستار با برخی هنجارشکنی‌ها ناشی از خلاقیت نویسنده روبه‌رو می‌شود. علیرضا حیدری، با بیان این مطلب ویراستاری را دارای اصولی کلی می‌داند که برای همه نوشته‌ها لحاظ می‌شود اما در حوزه آثار ادبی تفاوت‌هایی دارد. به اعتقاد این روزنامه‌نگار و ویراستار، داستان یک نوشته خلاقه و محصول خلاقیت است و داستان‌نویس بر این باور است که به دریافت‌هایی در نوشته‌اش رسیده است و آن‌ها را با چیدمان متفاوت و از دیدگاه خودش، توأم با تخیل خلق کرده است، بنابراین خیلی حاضر نمی‌شود با ویراستار تعامل کند و اجازه دخالت به او نمی‌دهد.

حیدری نیز این را حقیقت می‌داند که ویرایش در داستان و یا شعر فراتر از بحث فنی و زبانی است: لازم است یک بده‌بستان فکری بین ویراستار و نویسنده اتفاق بیفتد، چراکه بدون این اتفاق به درستی نمی‌توانیم به متن سنجیده‌ای برسیم. ویراستار باید به کشف ساختار و درک اثر دست پیدا کند. این کشف، ناظر به نوع نگاه و زبان نویسنده است که می‌تواند تعامل بهتری میان ویراستار و خالق اثر برقرار کند.

«سرخ‌پوست» به گیشه رسید

اکران فیلم‌های ویژه عید فطر از چهارشنبه این هفته

نوید محمدزاده و پریناز ایزدیار در فیلم سینمایی «سرخ‌پوست»

زندگی با سینما

شکیبا افخمی‌راد| بعد از گذشت هفته‌های کم‌رونق سینماها و اکران فیلم‌های نه‌چندان قوی چون «خانه دیگری»، «وکیل مدافع»، «به‌دنیا آمدن» و «تولدت مبارک»، به اکران عید فطر سینماها رسیدیم؛ اکرانی که یکی از زمان‌های خوب برای سازندگان فیلم‌ها محسوب می‌شود و هرساله عده زیادی برای اکران فیلمشان در این زمان درخواست می‌دهند. این اکران با مدیریت و چیدمان خوب فیلم‌ها می‌تواند به بهترین نحو به سینماهای کشور رونق ببخشد. امسال ترکیب فیلم‌هایی که در عید فطر اکرانشان آغاز می‌شود را می‌توان ترکیبی جذاب دانست؛ فیلم‌هایی در ژانرهای مختلف، کمدی و اجتماعی و جنایی و عاشقانه که می‌تواند پاسخ‌گوی سلایق مختلف باشد. در جدول اکران عید فطر «شبی که ماه کامل شد» نرگس آبیار، «سرخ‌پوست» نیما جاویدی، «ما همه باهم هستیم» کمال تبریزی، «دختر شیطان» قربان محمدپور و «زهرمار» جواد رضویان قرار گرفته‌اند؛ فیلم‌هایی که اکرانشان از ساعت ۱۷ چهارشنبه ۱۵ خرداد پس از دو روز تعطیلی سینماها آغاز می‌شود.

● روایتی عاشقانه در دل یک جنایت

«شبی که ماه کامل شد»، ساخته نرگس آبیار، یکی از فیلم‌هایی است که در روزهای پایانی هفته، اکرانش را آغاز می‌کند؛ فیلمی که همچون سه فیلم گذشته این کارگردان، «اشیا از آنچه در آینه می‌بینید، به شما نزدیک‌ترند»، «شیار ۱۴۳» و «نفس»، روایتگر زندگی یک زن است. آبیار در چهارمین ساخته خود به‌سراغ روایت یک ماجرای تروریستی از نگاه زنی عاشق رفته است؛ روایتی واقعی درباره گروه تروریستی و تکفیری جندا... و جنایت‌های برادرهای ریگی در سیستان‌وبلوچستان از دید فائزه، همسر برادر عبدالمالک ریگی. نقش عبدالحمید ریگی، برادر عبدالمالک، را هوتن شکیبا بازی می‌کند؛ بازیگری که بیشتر مردم، او را با کاراکتر حبیب در سریال طنز لیسانسه‌ها به یاد می‌آورند ولی شکیبا با حضور در شبی که ماه کامل شد، در نقشی کاملا متفاوت ظاهر شده است؛ نقشی که برای او سیمرغ بهترین بازیگر جشنواره فجر را به ارمغان آورد. درکنار شکیبا، الناز شاکردوست ایستاده است. او نیز با ایفای نقش فائزه، اولین سیمرغ بلورین خود را کسب کرد. شبنم مقدمی و فرشته صدرعرفایی، از دیگر بازیگران این فیلم هستند.

«شبی که ماه کامل شد» اولین‌بار در سی‌وهفتمین دوره جشنواره فجر روی پرده رفت و توانست با نامزد شدن در ۱۳ رشته و کسب ۶ سیمرغ بلورین حضور درخشانی را در این دوره از جشنواره پشت‌سر بگذارد؛ این فیلم به نویسندگی نرگس آبیار و مرتضی اصفهانی و تهیه‌کنندگی محمدحسین قاسمی در مدت ۱۳۷ دقیقه و با درنظر گرفتن درجه‌بندی سنی (برای تماشاگران بیش از ۱۲ سال) از ۱۵ خرداد اکران می‌شود.

● اثر سینماگر خراسانی روی پرده

سرخ‌پوست، دومین ساخته نیما جاویدی، کارگردان خراسانی که با اختلاف کمی از متری شیش‌ونیم رتبه دوم آرای مردمی را در جشنواره فیلم فجر سال گذشته کسب کرد، دیگر فیلم اکران عید فطر است؛ فیلمی که در جشنواره کمتر نقد منفی شد. نیما جاویدی که بعد از گذشت پنج سال از ساخت فیلم موفق «ملبورن» به‌سراغ ساخت «سرخ‌پوست» رفته است، قصه‌ای متفاوت از داستان‌های اجتماعی این روزهای سینما را در فیلم جدیدش روایت می‌کند؛ داستانی که جایزه ویژه هیئت داوران را از جشنواره سی‌وهفتم فجر برای او به‌همراه داشت. ماجرای «سرخ‌پوست» در سال ۱۳۴۶ می‌گذرد؛ جایی که یک زندان قدیمی در جنوب به‌دلیل مجاورت با فرودگاهِ درحال توسعه شهر درحال تخلیه است. در این بین سرگرد نعمت جاهد، رئیس زندان با بازی نوید محمدزاده، به‌همراه مامورانش درحال انتقال زندانیان به زندان جدید هستند که متوجه می‌شوند یکی از زندانیان در زندان نیست. همین اتفاق باعث شکل‌گیری داستان فیلم می‌شود. جاویدی در مصاحبه خود با روزنامه شهرآرا که در ۲۵ بهمن ۹۷ منتشر شد، درباره نحوه پیدا کردن سوژه فیلم سرخ‌پوست گفته بود: «خبری بود در یکی از روزنامه‌ها که الان تاریخ دقیقش را نمی‌دانم. در یکی از شهرهای ایران تقریبا سه یا چهار سال بحثی بین فرودگاه و زندان آن شهر درمی‌گیرد. به‌دلیل آنکه انتهای باند، زندان بوده، فرودگاه نمی‌توانسته است وسیع‌تر شود و درواقع زندان باید جابه‌جا می‌شده است. همین جدل میان فرودگاه و زندان -که هرکدام اصرار بر جابه‌جایی آن یکی دیگر داشته است- باعث یک دعوای رسانه‌ای شده بود که من هم مدتی دنبالش می‌کردم. آن زمان این اتفاق در حد همین یک خبر جالب بود و گوشه‌ای در دفترم یادداشتش کرده بودم تااینکه آرام‌آرام همان خبر شد ایده‌ای که سرخ‌پوست را براساس آن نوشتم.»

جدا از داستان متفاوت سرخ‌پوست، برگ برنده این فیلم را می‌توان بازی نوید محمدزاده دانست؛ بازیگری که با حضورش در فیلم‌های اجتماعی این سال‌ها، توانسته است فروش خوبی را برای آن‌ها رقم بزند. محمدزاده در این فیلم با گریم متفاوت و کاراکتری دور از سایر نقش‌هایش حاضر شده است. پریناز ایزدیار، آتیلا پسیانی و ستاره پسیانی، دیگر بازیگران سرخ‌پوست هستند.

● پربازیگرترین فیلم سینمای ایران

فیلم پربازیگر «ما همه با هستیم»، ساخته کمال تبریزی و به تهیه‌کنندگی رضا میرکریمی، دیگر فیلمی است که عید فطر اکران می‌شود؛ فیلمی که به‌دلیل طولانی بودن و پرحجمی جلوه‌های بصری‌اش به جشنواره سی‌وهفتم نرسید و رسما از حضور در این دوره از جشنواره انصراف داد. این کمدی به نویسندگی پدرام پورامیری، حسین امیری‌دوماری و محمد داوودی، ماجرای سقوط یک هواپیما را روایت می‌کند؛ هواپیمایی همراه با مسافرانی که رازهای مختلفی دارند؛ رازهایی که قرار نیست تا ابد پنهان بماند. «ما همه با هم هستیم» با حضور بازیگران متعدد، در یک زمان دوماهه، در نقاطی از تهران و قزوین فیلم‌برداری شده است. محمدرضا گلزار، مهران مدیری، مهناز افشار، لیلا حاتمی، ویشکا آسایش، جواد عزتی، هانیه توسلی، پژمان جمشیدی، مانی حقیقی، سروش صحت، حسن معجونی، مهران غفوریان، نادر فلاح، سیروس گرجستانی و علی شادمان، تنها بخشی از بازیگران فیلم هستند؛ بازیگرانی که هرکدام طرفداران خاص خودشان را دارند و می‌توانند طیف‌های مختلفی از مخاطبان را به سینماها بکشانند. فرایند ساخت ما همه با هم هستیم با حواشی مختلفی همراه بود. ازجمله آن‌ها می‌توان به ارقامی که برای میزان بودجه این فیلم پربازیگر مطرح می‌شد، اشاره کرد. اعلام رقم‌های عجیب درباره بودجه صرف‌شده برای ساخت این فیلم سینمایی باعث شد تا روابط‌عمومی «ما همه با هستیم» بیانیه‌ای را منتشر کند: «در زمان فیلم‌برداری این فیلم، شایعاتی از رقم‌های چندده‌میلیاردی برای تولید این اثر منتشر شده است که بدین وسیله اعلام می‌شود با ارقام دروغین اعلام‌شده، تقریبا سه‌بار می‌توان «ما همه با هم هستیم» را از اول ساخت و اکران کرد!»

همچنین اکران این فیلم شامگاه دهم خرداد با حضور کمال تبریزی، رضا میرکریمی و جمعی از بازیگرانش در آستانه اکران رونمایی شد که بازهم با حواشی همراه بود. نخست آنکه برای این مراسم بلیت‌فروشی شده بود اما به گفته عوامل «ما همه با هم هستیم»؛ عواید این بلیت فروشی، به سیل‌زدگان تعلق می‌گیرد. و حاشیه دوم این مراسم که مهران غفوریان آن را اجرا می‌کرد، غیبت مهران مدیری، لیلا حاتمی، جواد عزتی، مانی حقیقی و ویشکا آسایش از جمله بازیگران مطرح فیلم بود، که در مراسم اعلام شد این بازیگران با وجود آنکه علاقه‌مند بودند در این رونمایی حاضر باشند اما به دلیل سفر و مشغولیت فیلم‌برداری نتوانستند در این برنامه حضور پیدا کنند.

«لیلی با من است»، «مارمولک» و «طبقه حساس» از فیلم‌های موفق کمال تبریزی هستند که بسیاری از مخاطبان همچنان بعد از گذشت سال‌ها آن‌ها را به یاد دارند. آخرین ساخته کمال تبریزی نیز «مارموز» نام داشت که آذر سال گذشته روی پرده رفت و توانست فروش خوبی کسب کند. حالا باید منتظر ماند و دید که کمال تبریزی با روایت داستان کمدی و استفاده از بازیگران پرشمار در «ما همه با هم هستیم» می‌تواند تجربه موفقیت‌های قبلی‌اش را تکرار کند یا خیر.

● ستاره‌های بالیوود؛ روی پرده سینما

بعد از موفقیت فیلم «سلام بمبئی» در گیشه، محصول مشترک دیگری از ایران و بالیوود به کارگردانی قربان محمدپور روی پرده می‌رود. این فیلم که «دختر شیطان» نام دارد، داستان یکی از بچه‌های ابلیس است که می‌خواهد توبه کند و شرط پذیرش توبه‌اش این است که به یک آدم بی‌گناه سجده کند. داستان از جایی شکل می‌گیرد که دختر شیطان وارد زمین می‌شود تا به‌دنبال یک آدم بی‌گناه بگردد. حمید فرخ‌نژاد که در سال‌های اخیر در فیلم‌های ایرانی که خارج از کشور ساخته می‌شوند، حضور پررنگی داشته است، بازیگر اصلی دختر شیطان است. ایشا روات، جکی شروف، سیمران میشکوتی، محمدرضا شریفی‌نیا و فردین حفیظی، دیگر بازیگران این فیلم هستند. گلشن گروور معروف به بدمن سینمای هند نیز در کنار فرخ‌نژاد به ایفای نقش می‌پردازد. او اولین بازیگر بالیوود است که در فیلم‌های هالیوودی بازی کرده است و در پرونده کاری‌اش، بازی در بیش از ۴۰۰ فیلم به چشم می‌خورد. او پیش از این نیز در فیلم «سلام بمبئی» با قربان محمدپور همکاری کرده بود.

«دختر شیطان» به نویسندگی قربان محمدپور در شهر بمبئی هند، فیلم‌برداری شد و موسیقی متن آن را آهنگ‌ساز هندی دلشاد شیخ ساخته است. همچنین سونو نیگام و آریجیت سینک از خوانندگان معروف هندی، دو ترانه از شش ترانه این فیلم را خوانده‌اند. از آنجایی که عموما محمدپور چه در زمینه فیلم‌نامه‌نویسی و چه کارگردانی فیلم‌های گیشه‌پسند می‌سازد، می‌توان انتظار داشت که «دختر شیطان» نیز بتواند از فیلم‌های موفق اکران عید فطر امسال باشد.

● اکران اولین ساخته جواد رضویان

«زهرمار»، ساخته جواد رضویان، بازیگر محبوب فیلم‌های کمدی سینما و تلویزیون، دیگر فیلمی است که از ۱۵ خرداد روی پرده سینماها می‌رود. رضویان پیش از این دو فیلم تلویزیونی به روح پدرم و لیموترش را کارگردانی کرده بود و کارگردانی یک فیلم سینمایی با نام «کمی شیرین، بسی فرهاد» را در سال ۱۳۸۹ برعهده داشت؛ فیلمی که به‌دلایل نامعلوم هیچ‌زمان اکران نشد. به این ترتیب «زهرمار» را می‌توان اولین ساخته سینمایی رضویان دانست که رنگ پرده را به خود می‌بیند. این فیلم که با هزینه تولید حدود ۲ میلیارد و ۶۰۰ میلیون تومان و براساس داستانی واقعی ساخته شده است، داستان مردی به نام رضا را روایت می‌کند که امروز یک فرد ارزشی شناخته می‌شود اما گذشته‌اش، او را رها نمی‌کند و همین گذشته برای او دردسر ایجاد می‌کند. سیامک انصاری، شبنم مقدمی، شقایق فراهانی، سیامک صفری، نسیم ادبی، علیرضا استادی، رضا رویگری و زنده‌یاد حسین محب‌اهری در شمار بازیگران این فیلم هستند.

«زهرمار» یک طنز اجتماعی است که برای اولین‌بار در بخش نگاه نوی سی‌وهفتمین جشنواره فجر روی پرده رفت. جواد رضویان در نشست پرسش و پاسخ فیلمش در جشنواره، هدف خود را از ساخت این فیلم این‌گونه بیان کرد: «هدفم نقد اجتماعی بود و اینکه نشان دهیم فقر می‌تواند منجر به چه عواقبی شود؛ چه فقر مالی، چه فقر فرهنگی. این فیلم تلاش کرد این موضوع را به تصویر بکشد.»

هرچند که در جشنواره نقدهای زیادی به این فیلم وارد شد و حتی عده‌ای معتقد بودند جای این فیلم در جشنواره نبوده است، باتوجه‌به حضور رضویان، بازیگر محبوب فیلم‌های کمدی، در مقام کارگردان و حضور سیامک انصاری در نقش یک مداح، می‌توان پیش‌بینی کرد که زهرمار در اکران عمومی‌اش موفق‌تر از جشنواره عمل می‌کند.

اکران های عید فطر

نمایی از فیلم «ما همه با هم هستیم»

نمایی از فیلم «سرخپوست»

نمایی از فیلم «ما همه با هم هستیم»

نمایی از فیلم «شبی که ماه کامل شد»

نمایی از فیلم «زهرمار»

نمایی از فیلم «دختر شیطان»

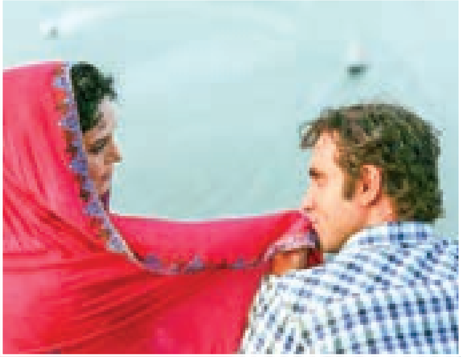

نمایی از فیلم «شبی که ماه کامل شد»

نمایی از فیلم «دختر شیطان»

برگزاری مراسم گرامیداشت یاد و خاطره امام (ره) در شهرداری

زردکانلو| هم‌زمان با رحلت امام خمینی(ره)، رهبر کبیر انقلاب ایران، علاوه‌بر برگزاری بزرگداشت ایشان در ۱۴ خرداد در حرم مطهر امام رضا(ع)، شهرداری مشهد با همکاری سازمان بسیج هنرمندان، دوشنبه ۱۳ خرداد بعد از نماز ظهر و عصر مراسم مشترکی در مسجد شهرداری مرکز برگزار خواهند کرد.

به گفته جواد کمالی، رئیس بسیج هنرمندان خراسان رضوی، این مراسم با قرائت قرآن سه قاری بین‌المللی و سخنرانی حجت‌الاسلام راشدیزدی همراه خواهد بود.

ازجمله دعوت‌شدگان این گرامیداشت، شهردار مشهد، فرماندهان پایگاه‌های بسیج، مدیران ادارات کل و اعضای شورای پایگاه بسیج شهرداری مشهد هستند و به گفته کمالی، باوجود محدودیت فضا تا حد امکان حضور مردم در این مراسم بلامانع است.

این مقام مسئول با اشاره به برگزاری نمایشگاهی در حاشیه این رویداد فرهنگی گفت: محتوای نمایشگاه درباره دستاوردهای امام خمینی(ره) و ارتحال ایشان خواهد بود.

رئیس بسیج هنرمندان خراسان رضوی یکی از اهداف مهم برگزاری این مراسم گرامیداشت را هم‌بستگی هرچه بیشتر بین دولت و ملت دانست: «ما ایرانی‌ها قدر این انقلاب و این نظام مستقل را نمی‌دانیم، مگر زمانی که به خارج از مرزها برویم.»

به نظر کمالی، کشورهای اسلامی و حتی غیراسلامی به استقلال ما غبطه می‌خورند که در مقابل ابرقدرت‌های یاوه‌گویی چون آمریکا یا کشورهای دست‌نشانده‌اش، استقلال نظامی داریم: «باید هم‌بستگی بین دولت و ملت بیشتر شود. این تقسیم‌بندی‌های سیاسی را دشمنان بر ما تحمیل کردند و ما باید آن را کنار بگذاریم. کنار هم به دولت و ملت کمک کنیم و این مراسم نیز بهانه‌ای است برای اینکه انسجام خود را نشان دهیم.»

گناه گاف‌های گاه‌وبیگاه

دیدگاه

زوزنی| با اینکه تولید برنامه زنده استرس‌های بسیاری را برای تولیدکنندگان آن‌ها به همراه دارد، دیدن این دست از برنامه‌ها در رسانه ملی -با همه ضعف‌هایش- همواره برای مخاطب جذاب است که شاید به‌خاطر همین گاف‌های گاه‌وبیگاهی است که چاشنی برنامه‌های زنده می‌شود. از جدیدترین‌هایش هم حامد معدنچی، همسر کیمیا علیزاده، ملی‌پوش تکواندو کشورمان، است که در برنامه زنده صبحگاهی در یکی از روزهای ماه مبارک رمضان تصمیم می‌گیرد برای صرف ناهار به منزل مادرش برود و این را جلوی میلیون‌ها بیننده مطرح می‌کند که با ماست مالی مجری همراه می‌شود. دیگری که خیلی سروصدا کرد و هنوز که هنوز است بعد از گذشت ۲۰ روز تبعات دارد، پخش زنده هتاکی یک مداح به مقدسات برادران اهل سنت بود که باعث شد بخشی از مدیران، برنامه‌سازان و دست‌اندرکاران شبکه ۵ سیما از کار برکنار شوند.

این دسته از گاف‌ها -که بعضی از آن‌ها نابخشودنی است- درحالی رخ می‌دهد که مجری قبل از شروع برنامه، تذکرهای ریزودرشتی به حاضران می‌دهد تا مبادا شأن برنامه تلویزیونی خدشه‌دار شود.

انتصاب سعید اشناب به مدیریت شبکه ۵ سیما همه امیدها را برای بازگشت مدیر سابق این شبکه، جواد رمضانی‌نژاد، به یأس بدل کرد و نشان داد که علی عسکری دست‌به‌عزلش خوب است. حکایت عزل رمضانی‌نژاد، داستان «گنه کرد در بلخ آهنگری، به شوشتر زنند گردن مسگری» را تداعی می‌کند. در اینکه یک هتاک -از روی جهل یا عمد- خطایی کرده است و باید جواب پس بدهد، شکی نیست. در اینکه این هتاکی چهارپنج نفر را هم دچار خسران کرده است، حرفی نیست اما برکناری مدیر شبکه که قطعا در اتفاق رخ‌داده هیچ تقصیری نداشته و در عذرخواهی از هموطنان اهل سنت، پیش‌قدم شده و مسببان پخش این برنامه را توبیخ و برکنار کرده است، احساسی به نظر می‌رسد. بسیاری از آن‌هایی که دستی در تولید سیما دارند یا جایگاهشان تلویزیون است و رمضانی‌نژاد را می‌شناسند، باور دارند که مدیر سابق شبکه ۵ سیما یکی از مدیران خلاق صداوسیماست که حضورش برنامه‌های سیما را متحول کرده است و برخلاف مدیران رانتی تلویزیون، کارش را در صداوسیما از پایین‌ترین سطح در سازمان شروع کرده و پله‌های رشد در رسانه را یک‌به‌یک بالا رفته است. برخوردهای احساسی با مدیرانی که طراوت حداقلی را به خزان سیما آورده‌اند، به‌مرور باعث ترس دیگر تهیه‌کنندگان، برنامه‌سازان و تولیدکنندگان می‌شود و آن‌ها را به سمت تولید برنامه‌های بی‌خاصیت‌تر و بی‌مخاطب‌تر سوق می‌دهد. چراکه وقتی آن‌ها ببینند در تولید برنامه، حامی ندارند، به برنامه‌های ضبطی روی می‌آورند و رفته‌رفته برنامه‌های تلویزیونی می‌شود بدتر از آن چیزی که الان شاهدش هستیم.

روایتی از داستان‌پردازی‌های موسیقایی

زندگی با موسیقی

درمیان کتاب‌هایی که امسال چاپ اولشان در نمایشگاه کتاب تهران عرضه شد، می‌توان از کتابی در زمینه موسیقی از نوشته‌های هوشنگ جاوید نام برد. هوشنگ جاوید، پژوهشگر موسیقی که تا امروز موضوعات مختلفی در حوزه موسیقی را محور پژوهش‌های خود قرار داده‌است و کتاب‌هایی چون «حماسه تا انقلاب، موسیقی»، «آواهای روح‌نواز»، «آشنایی با موسیقی نواحی ایران»، «موسیقی آیینی قوم ترکمن»، «موسیقی رمضان در ایران» و «نقش زن در موسیقی مناطق ایران» را روانه بازار نشر کرده‌است، در کتاب جدید خود به‌سراغ نقالی و داستان‌پردازی و ارتباط آن با موسیقی رفته است تا بتواند جای خالی منبعی معتبر در این حوزه را پر کند.

جدیدترین اثر هوشنگ جاوید، «سیری در تاریخ داستان‌پردازی آوازی و موسیقایی ایران» نام دارد؛ کتابی که به ریشه‌های نقل و نقالی و داستان‌پردازی در ایران تا شروع عصر صفوی می‌پردازد و وجه موسیقایی آن را به مخاطبان معرفی می‌کند. یکی از نکات مهمی که در این کتاب درنظر گرفته شده‌است، بررسی حوزه نقل و شاهنامه‌خوانی و تعریف مبانی این حوزه با معرفی داستان‌پردازان و پدیدآورندگان نقالی در دو وجه موسیقایی و نمایشی است. به گفته جاوید، در این کتاب جزئیاتی از موضوعات مهمی چون نقالی، شاهنامه‌خوانی و داستان‌پردازی در ایران بیان شده که تاکنون کمتر در دسترس پژوهشگران و علاقه‌مندان به این حوزه قرار گرفته‌است. کتاب «سیری در تاریخ داستان‌پردازی آوازی و موسیقایی ایران» اولین جلد از یک مجموعه چندجلدی است که به پژوهش در زمینه موسیقی و داستان‌پردازی اختصاص دارد. چاپ اول این کتاب را انتشارات سوره مهر در ۲۲۸ صفحه منتشر کرده‌است و قیمت آن ۴۰ هزار تومان است.

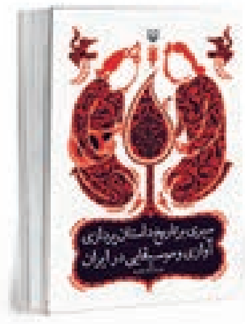

عبدالرضا اکبری:
اگر قوانینی می‌گذاشتند و می‌گفتند نقش فقط به افرادی داده می‌شود که تحصیلات و تجربه کار را داشته باشند از بروز نقش‌فروشی جلوگیری می‌شد. در سال‌های گذشته بخشی از تقسیم نقش‌ها رفاقتی بود و چیزی به نام روان‌شناسی در انتخاب بازیگران وجود نداشت.